

## نقش همبستگی اجتماعی در کاهش بزه‌کاری از دیدگاه اسلام

محمد اسحاق عارفی\*

### چکیده

این تحقیق در صدد پاسخ‌گویی به این مسأله برآمده‌است که همبستگی اجتماعی از منظر تفکر اسلامی در کاهش بزه‌کاری چه نقشی می‌تواند به‌عهده داشته باشد و در کنترل رفتارهای نابهنجار اجتماعی جامعه سهمیم باشد. این پژوهش سعی کرده‌است تا همبستگی اجتماعی در اسلام را به‌مثابه‌ی یکی از ابزارها و روش‌های کنترل اجتماعی، بررسی کند و با تبیین مولفه‌های مهم و تاثیرگذار همبستگی اجتماعی در اسلام به‌عنوان بستر اصلی کنترل فرایند تبه‌کاری و برجسته کردن نقش آن در کاهش بزه‌کاری، آن را مورد توجه قرار دهد. این تحقیق با این پیش فرض تدوین یافته‌است که اگر همبستگی اجتماعی در اسلام بر معیارهای شمارش شده تحقق پیدا کند، تأثیر چشم‌گیری در کاهش بزه‌کاری داشته و در کنار سایر ابزارهای کنترلی نقش اساسی را ایفا خواهد کرد.

این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی به تبیین موضوع پرداخته و یافته‌های مهم مانند؛ نظارت مستمر اجتماعی، رعایت حقوق اجتماعی، خودکنترلی و نظارت دینی را در پرتو همبستگی اجتماعی، در پی داشته و در نتیجه به‌کاهش بزه‌کاری در جامعه اسلامی منتج می‌شود. بدیهی است که دست‌یافتن به نقش همبستگی اجتماعی در اسلام جهت کاهش بزه‌کاری به‌عنوان هدف تحقیق و استفاده بهینه از مدل‌های دینی کنترل اجتماعی که در هماهنگی با فرهنگ دینی جامعه اسلامی قرار دارد، تدوین چنین تحقیقاتی را ضرورت می‌بخشد.

**واژگان کلیدی:** همبستگی اجتماعی، بزه‌کاری، کنترل اجتماعی، جامعه مبتنی بر خیر، خودکنترلی، نظارت دینی.

## مقدمه

هم‌گونی اجتماعی بدون شک یکی از روش‌های کارآمد و موثر است، که نقش مهم و قابل تاملی در پیش‌گیری از ارتکاب جرایم و کاهش بزه‌کاری در جوامع گوناگون و متفاوت بشری ایفا می‌کند. جوامع هم‌گون و دارای همبستگی اجتماعی از قابلیت و توان‌مندی بالای برای حمایت از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی برخوردار بوده و افراد جامعه‌ی شان را در برابر ناهنجاری، انحرافات و جرایم، به‌صورت بهتر و شایسته‌تری محافظت می‌کند. افراد در جوامع همبسته و هم‌گون بیش‌تر خود را به باورها، آرمان‌ها و ارزش‌های حاکم اجتماعی، متعهد و وفادار، دانسته و برای محافظت از آن‌ها احساس تکلیف و ادای وظیفه می‌نمایند.

به‌خصوص اگر این هم‌گونی و همبستگی بر محور ایمان مشترک شکل گیرد ظرفیت محافظت از افراد و ارزش‌های حاکم بر جامعه را به‌صورت گسترده و وسیع در خود خواهد داشت چه این‌که ارزش‌ها، هنجارها و رویه‌های آمره اجتماعی به‌گونه‌ای در ذهنیت ایمانی افراد این‌گونه از جوامع نهادینه شده که نه تنها، به سادگی در برابر کشش‌های معارض و پدیدارهای ضد اجتماعی و بزه‌کارانه نه تنها فرسوده نمی‌شود، بلکه به‌صورت بسیار جدی در برابر چنین پدیدارهای ضد ایمانی و هنجارهای مشترک اجتماعی واکنش نشان داده و ظرفیت‌های پیش‌گیرانه و خنثی‌گر شان را فعال نگه‌داشته و از رخنه کردن چنین پدیده‌های در درون جامعه جلوگیری می‌کند.

جای تردید در اهمیت و ظرفیت هم‌گونی اجتماعی در پیش‌گیری از ناهنجاری‌ها، انحرافات و بزه‌گروی، وجود نداشته، بلکه پوشش‌های علمی توصیه‌های دینی و برآیندهای تجربی بر این نکته‌ی مهم تاکید دارد که سیطره‌ی همبستگی اجتماعی در اصلاح و تدبیر درست کجروی‌ها و انحرافات اجتماعی نقش اساسی و موثری را به عهده دارد، ولی آنچه که از اهمیت علمی برخوردار است، محورها و استوانه‌های هنجاری و مورد پذیرش اجتماعی چنین همبستگی‌ها خواهد بود. به این معنی که جوامع متفاوت بشری بر محورها، باورها و ارزش‌های متفاوت اجتماعی هم‌گونی اجتماعی شان را تعریف و شالوده‌های آن را پی‌ریزی می‌نمایند، تا براساس آن، میزان همبستگی و تعهد

افراد نسبت به هنجارهای متکی بر آن محورها مشخص، معین و صورت‌بندی شود. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان همبستگی اجتماعی جوامع بشری را بر دو محور جوامع دین‌دار و ایمانی و جوامع غیردین‌دار تفکیک و درجه‌بندی کرد که فرایندها و الزامات و حفظ ارزش‌ها و هنجارهای آن قطعاً متفاوت خواهد بود. در مرحله‌ی دوم می‌توان تقسیم‌بندی دیگری را مورد نظر قرار داد و همبستگی اجتماعی را بر محورهای تفکر ایمانی اسلام و سایر ادیان از هم تفکیک کرده و نقش هرکدام را در کنترل اجتماعی تبیین کرد. این نوشته تنها بخش هم‌گونی اجتماعی در اسلام و نقش آن را در کاهش بزه‌کاری، مطالعه و واکاوی کرده و به بخش‌های دیگر آن نپرداخته‌است.

## ۱. مفهوم‌شناسی

### ۱.۱. مفهوم همبستگی اجتماعی

در ابتدا بهتر است که مفهوم همبستگی اجتماعی تبیین گردد و جایگاه این مفهوم در فرایند تحقیق مشخص و روشن شود. همبستگی اجتماعی که خود از مفاهیم حوزه‌ی جامعه‌شناسی در علوم اجتماعی است، دارای معنای روشنی است، اما آنچه در تبیین مفهومی آن مهم است، مولفه‌ها یا زیربناهای اساسی آن است که همبستگی اجتماعی بر اساس آن ایجاد می‌شود.

دورکیم یکی از متفکران برجسته‌ی حوزه‌ی علوم اجتماعی «وجدان جمعی» یا «یک‌پارچگی اخلاقی نیرومند بین اعضای جامعه» را نشان دهنده‌ی سلامت اجتماعی و ضعف «وجدان جمعی» یعنی کمبود بهم‌پیوستگی و یک‌پارچگی را بیان‌گر بیماری جدی اجتماعی می‌داند. به نظر ایشان بهم‌پیوستگی اجتماعی امکان حمایت روانی اعضای جامعه را در وضعیت‌های بحرانی فراهم کرده و از نگرانی‌ها، فشارها و از تاثیر بحران بر افراد می‌کاهد. (لویس و روزنبرگ، ۱۳۸۷: ۱۹۴) در نوشته‌ی پیش‌رو همین معنی مورد توجه قرار گرفته و هم‌بستگی وجدان جمعی و یک‌پارچگی اخلاقی بر بنیادهای دینی، بررسی و واکاوی شده‌است.

### ۲.۱. مفهوم بزه‌کاری

اما بزه‌کاری یا تبهکاری براساس تحلیل ریموند گسن، به مجموعه‌ی جرایم کیفری

ارتكابی که طی یک دوره‌ی معین در یک کشور، منطقه‌ی معین یا گروهی از کشورها (گسن، ۱۹۸۸: ۲۱) اطلاق شده‌است که به‌طور کلی بیان‌کننده فرایندی است که در طی آن بزه شکل می‌گیرد و به همین دلیل بزه‌کاری، قابلیت‌های بالفعل یا بالقوه موجود در فرد یا جامعه به‌عنوان یک پدیده دانسته شده‌است که محصول آن به‌شکل جرم در جامعه نمود پیدا می‌کند. (میرخلیلی، ۱۳۸۸: ۲۸) در این تحقیق سعی شده‌است، مهم‌ترین نقش همبستگی اجتماعی اسلام در کاهش بزه‌کاری به همین مفهوم و تحقق نیافتن فرایند ارتکاب جرم تبیین گردیده‌است و خصیصه‌های همبستگی اجتماعی به‌عنوان شرایط و زمینه‌های کنترل بزه‌کاری، واکاوی شود.

## ۲. همبستگی اجتماعی در اسلام

هم‌گونی اجتماعی و همبستگی در اسلام گستره‌ی وسیع از قلمروهای اجتماعی را در بر می‌گیرد که به‌ویژه قلمرو فرهنگی و اقتصادی دوعرصه‌ی بسیار برجسته و مهم آن می‌تواند قرار گیرد بدین معنا که همبستگی و هم‌گونی اجتماعی، در نظریه‌ی پیش‌گیری اسلام از بزه‌کاری نقش کلیدی و حساسی دارد. بنابراین، هم‌گونی و همبستگی اجتماعی در اسلام باید در هر دو عرصه‌ی فرهنگ و اقتصاد به‌صورت متوازن و مبتنی بر تئوری‌های فرهنگی و اقتصادی اسلام مورد تأمل و مطالعه قرار گیرد. ولی روی‌کرد این نوشته تنها در قلمرو فرهنگی همبستگی اجتماعی در اسلام هدف‌گذاری شده‌است و به‌همین لحاظ، معیارها و استوانه‌های همبستگی اجتماعی در اسلام، از این منظر، بحث می‌شود.

همبستگی اجتماعی از منظر اسلام بر پایه‌ی بنیادین ایمان مشترک به‌وجود قادر حکیم و دانای که ناظر بر رفتار فردی و اجتماعی انسان بوده و در برابر هرگونه وضعیت‌های رفتاری آدمیان پاسخ‌خواسته و به‌نحوی در مدیریت و کنترل عمل‌های بشری دخالت حکیمانه دارد. به این مفهوم که با اعطای اراده آزاد به‌انسان و ارایه راه‌های منتهی به کمال بشری مسؤولیت عواقب عمل‌ها و رفتارهای انسانی را به‌عهده او گذاشته و در برابر اعمال نیک و بد انسان پاداش و مجازات را منظور کرده‌است. ولی آنچه که در این هم‌گونی اجتماعی اهمیت دارد، چینش پایه‌های ایجاد یک جامعه هم‌گون دین‌دارانه است که بر بنیاد آن عملیه‌های رفتاری انسان مسلمان پاسخ‌پذیر می‌شود! به

این مفهوم که هم‌گونی اجتماعی در اسلام زمانی موثر و پاسخ‌گو خواهد بود، که مبتنی بر ویژگی‌های دینی استوار و پایه‌ریزی شده باشد. به‌گونه‌ی ویژه، هم‌گونی اجتماعی وقتی نقش خود را در کاهش بزه‌کاری ایفا خواهد کرد که بر بنیاد اصول و مبنایی یک جامعه دین‌مدار و الهی تنظیم و تدوین یافته باشد و در این صورت است که به‌مثابه‌ی نوعی کنترل اجتماعی، در کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی عمل خواهد کرد. با این روی‌کرد نظری می‌توان نظریه هم‌گونی اجتماعی در اسلام را با نظریه کنترل اجتماعی در مکاتب اثبات‌گرای غرب مقایسه کرد و نقش هر دو را در کاهش بزه‌کاری و کجروی‌های اجتماعی تحلیل و بررسی کرد.

بدیهی است هم‌چنان‌که ارایه مبانی، اصول و ویژگی‌های همبستگی دین‌دارانه‌ی اجتماعی اسلام در روی‌کردهای متفاوت تاریخی و اجتهادی دچار تحول و تفاوت بوده است، نظریه‌ی کنترل اجتماعی نیز، در فرایندهای اجتماعی و تاریخی شان دارای تفاوت و تمایزهای شده‌است. در یک نظریه، یک ویژگی برجسته شده و در درک و فهم نظریات دیگر، ویژگی دیگری آن برجسته شده‌است، به‌همین دلیل ما سعی کردیم، از میان تعاریف ارایه شده، نظریه‌ی «پیوند اجتماعی» تراویس هیرشی را با هم‌گونی اجتماعی در اسلام مورد تأمل و مقایسه قرار داده و تاثیرات آن را بر کاهش بزه‌کاری بررسی نمایم.

پیش از این ضرورت دارد که انواع نظریه‌ی کنترل اجتماعی را که از نظریات پویا و موثر در کاهش انحرافات و کجروی‌های اجتماعی محسوب می‌شود، به صورت مختصر توضیح داده و آنگاه به ویژگی، ساختار و مولفه‌های همبستگی اجتماعی در اسلام و نقش شان در کاهش بزه‌کاری، پرداخته شود.

### ۳. انواع نظریه‌های کنترل اجتماعی

نظریه‌ی کنترلی اجتماعی ساختار مفهومی است که دیدگاه‌های متفاوت را در مورد کنترل رفتار انسان مورد توجه قرار داده و به‌صورت کلی بزه و بزه‌کاری را به متغیرهای جامعه‌شناختی عادی (مثلاً ساختارهای خانوار، آموزش، گروه هم‌سالان) نسبت می‌دهند. (ویلیامز، ۱۳۸۳: ۱۹۹ - ۲۰۰) عنصر مهم تمام نظریه‌های کنترل اجتماعی را تلاش برای

تشریح عوامل بازدارنده‌ی مردم از ارتکاب جرم یا رفتار مجرمانه و کنترل آنان از خلال فرایند جامعه‌پذیری تشکیل می‌دهد. (همان: ۲۰۲)

نخستین نظریه‌ای که در ارتباط با تئوری کنترل اجتماعی ارایه شد و با مطالعه‌ی که در این سو و آن سوی جهان انجام شد، به این نتیجه رسیدند؛ همه‌ی جوامع دارای جرم هستند. بنابراین، جرم نداشتن جامعه غیرطبیعی و جرم داشتن آن طبیعی پنداشته شده است. دورکیم از این سخن به این نتیجه می‌رسد که جرم دارای کارکرد اجتماعی است و به وسیله‌ی آن مرزهای مهم اخلاقی را می‌توان کشف کرد، اما از آن‌جای که مرزهای فعلی روشن نیست، این واکنش اجتماعی نسبت به عمل انحرافی فرد دیگر است، که کمک می‌کند، تا مردم بفهمند چه عکس‌العملی در برابر چه عملی انجام داد و در نتیجه رفتار انسان به وسیله‌ی واکنش اجتماعی، (ناخشنودی - مجازات) کنترل شود. (همان: ۲۰۳)

### ۱.۳. نظریه کنترل اجتماعی وجدان جمعی دورکیم

براساس دیدگاه دورکیم، جامعه‌ای که در آن هیچ جرم وجود ندارد، جامعه‌ای است که در آن محدودیت‌های وجدان جمعی آن‌قدر شدید است، که هیچ فردی نمی‌تواند با آن‌ها مخالفت کند و جرم در این نوع جامعه کاملاً از بین خواهد رفت و به همین دلیل کنترل اجتماعی وسلطه‌ی وجدان اجتماعی مانعی قوی از تحقق فرایند بزه‌کاری به شمار می‌رود. (جرج ولد و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۸۱)

### ۲.۳. نظریه کنترل اجتماعی شخصیت محور

آلبرت رایس (۱۹۵۱) از نظریه پردازان کنترل اجتماعی مفاهیم شخصیت و جامعه‌پذیری را درهم آمیخت و نظریه‌ی کنترل اجتماعی شخصیت محور را ارایه داد. نظریه او پیشنهاد می‌داد که سه عامل کنترل اجتماعی، بزه‌کاری را تشریح می‌کند. او عقیده داشت: بزه‌کاری ممکن است از یکی یا از تمام موارد زیر سرچشمه گیرد: ۱. نبود کنترل‌های درونی، ۲. نبود قواعد اجتماعی ۳. یا منازعه در قواعد اجتماعی که به وسیله گروه‌های مهم اجتماعی (خانواده، نزدیکان، مدرسه) فراهم آمده است. (ویلیامز، پیشین: ۲۰۴)

### ۳.۳. نظریه کنترل اجتماعی نظم اخلاقی

در دهه‌ی ۱۹۵۷م، مفهوم کنترل اجتماعی خارجی با کارهای دوید ماتزا برجسته شده

و نظریه‌های قیود اجتماعی او مورد بحث، مناقشه و پذیرش محافل آکادمیک واقع شد. نظریه‌ی قیود اجتماعی هرچند نوعی انتقاد از نظریه‌ی خرده فرهنگ آلبرت کوهن بود، ولی این مفهوم را نیز در درون خود داشت که همه، حتی مجرمان ول‌گرد طبقه‌ی پایین، مقید به نظام ارزشی برتر جامعه هستند، ولی مجرم با استفاده از فنون خنثی‌سازی برای انجام اعمال مجرمانه آزاد می‌شود. این فنون به‌فرد امکان می‌دهند، تا تعهدات فردی نسبت به ارزش‌های اجتماعی را خنثی و به‌طور موقت معلق نماید. از این‌رو، نوعی آزادی را برای اعمال مجرمانه، فراهم می‌کند.

مانترا در تشریح نظریه‌ی خود اصطلاح مقید به «نظم اخلاقی» را ابداع و ارایه کرد. به این معنا که میان افراد و ارزش‌های غالب جامعه قیودی اخلاقی وجود دارد که می‌تواند قوی‌تر یا ضعیف‌تر شود. به عقیده او، زمانی که خنثی‌سازی مورد استفاده قرار گرفت فرد در یک حالت برزخ بی‌ارادگی قرار می‌گیرد که اعمال انحرافی را ممکن می‌کند. (ممتاز، ۱۳۸۷: ۲۰۸)

### ۴.۳. نظریه کنترل اجتماعی پیوند اجتماعی هیرشی

در نظریه‌های کنترل اجتماعی که از چندتای آن گزارشی ارایه شد، به بنیادهای عمیق‌تر مولفه‌های نظم اخلاقی و تکیه‌گاه‌های کنترل درونی قواعد اجتماعی و مبانی فرایند جامعه‌پذیری مجرم توجهی چندانی صورت نگرفته بود و به‌همین دلیل نظریه کنترل اجتماعی هیرشی عمیق‌تر و دقیق‌تر مبانی، تکیه‌گاه‌ها و مولفه‌های اصلی کنترل اجتماعی را تبیین می‌کند که اصولاً نظم اخلاقی، قیود اجتماعی و کنترل درونی بر چه بنیاد و اساسی باید متکی باشد، تا موجب عدم وقوع رفتار مجرمانه و پیش‌گیری از جرم و کاهش بزه‌کاری شود.

هیرشی در این نظریه، قیود اجتماعی را از این نظر که دارای چهار عامل یا بُعد هستند، متمایز می‌کند. (۱۹۶۹) این ابعاد عبارت‌اند از: ۱. پیوستگی ۲. درگیر بودن ۳. تعهد ۴. اعتقاد، که در این میان مهم‌ترین عامل همان پیوستگی است که میزان قدرت پیوستگی‌های فرد یا گروه‌های که نسبت به افراد مهم دیگر، (والدین، دوستان و مدل‌های نقش) یا نسبت به نهادهای دیگر، (مدرسه، باش‌گاه و...) دارد، می‌تواند مانع انحراف

شود. (ممتاز، پیشین: ۲۰۹) شرح و بسط ابعاد چهارگانه‌ی نظریه‌ی هیریشی، نیازمند توضیح بیش‌تر است که در زیر به آن پرداخته شده‌است.

### ۱.۴.۳. وابستگی

به این مفهوم که دل‌بستگی به افراد و نهادهای اجتماعی یکی از شیوه‌های است که فرد خود را از طریق آن به‌جامعه پیوند می‌دهد و ضعف چنین پیوندهای موجب می‌شود تا خود را در ارتکاب کژرفتاری آزاد بداند. به‌عنوان نمونه، فرد مجرد بیش‌تر امکان دارد که به‌جرائم دزدی یا خودکشی اقدام کند و یا به مصرف مواد مخدر دست بزند در حالی که فرد متأهل به‌دلیل پیوندهای اجتماعی که دارد، احتمال کم‌تری دارد، تا مرتکب کژرفتاری شود. (ستوده، ۱۳۸۵: ۱۳۸)

بنابراین، وابستگی به دیگران، یکی از متغیرهای مهم در کنترل رفتار است به‌طوری که به‌علت وابستگی اجتماعی این احساس در فرد به‌وجود می‌آید که به انتظارات و خواسته‌های دیگران پاسخ دهد و افراد با داشتن این احساس، وابسته و محدود می‌شوند و کم‌تر خود را آزاد و رها می‌بینند، تا هنجارهای اجتماعی را نقض کنند. (ممتاز، پیشین: ۱۲۱)

### ۲.۴.۳. تعهد

افراد جامعه، برای دستیابی به‌هدف‌های مانند تحصیل، کار، خانه، دوستان و...، که برای آن‌ها سرمایه‌گذاری کرده، وقت و انرژی خود را در راه آن صرف کرده‌اند، بیش‌تر به فعالیت‌های متداول زندگی تعهد دارند. از این‌رو، به‌منظور موقعیت و پایگاه اجتماعی که با تلاش خود به‌دست آورده‌اند، کژ رفتاری نمی‌کنند. (ستوده، پیشین: ۱۳۹)

### ۳.۴.۳. درگیری

درگیری، در امور زندگی روزمره وقت زیادی نیاز دارد و خود باعث محدود شدن رفتار می‌شود. افراد بی‌کار و بیهوده وقت بیش‌تری برای هنجارشکنی دارند. به‌همین دلیل بیش‌تر جرم‌شناسان معتقدند: افزایش سال‌های تحصیل، انجام خدمات نظام وظیفه و فراهم بودن تسهیلات ورزشی باعث کاهش کج‌رفتاری در میان مردم می‌شود. (ممتاز، پیشین: ۱۲۲)



هیرشی، معتقد است: میزان اعتقاد افراد به‌هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین متفاوت است، هرچه این اعتقاد در فرد ضعیف‌تر باشد بیش‌تر احتمال دارد که هنجار شکنی کند. بنابراین، انحراف به علت فقدان اعتقاد به اعتبار هنجارها و قوانین، می‌تواند واقع شود، فردی که خود را تحت تاثیر اعتقادات معمول در جامعه نبیند هیچ وظیفه‌ی اخلاقی برای هم‌نوا بودن با جامعه و رعایت قوانین در نظر نمی‌گیرند. از نظر هیرشی می‌توان نتیجه گرفت که هرچه افراد کم‌تر وابسته، متعهد، درگیر و معتقد نباشد پیوند آنان با جامعه سست‌تر بوده و احتمال کج‌رفتاری در آنان بیش‌تر خواهد بود. (همان: ۱۲۳)

در نتیجه پیوند اجتماعی در نظریه‌ی هیرشی مهم‌ترین عنصر این نظریه است که وقوع کج‌رفتاری را زمانی محقق می‌داند که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف یا گسسته شود. (همان: ۱۲۰)

#### ۴. پیوند اجتماعی و هم‌گونی دینی

هم‌گونی دینی را می‌توان نوعی از پیوند اجتماعی جامعه دانست که براساس هنجارها و ارزش‌های ویژه و به‌خصوص به‌خود هم‌گونی و هم‌پیوندی اجتماعی را ایجاد کرده‌است. طبیعی است که محورها و مولفه‌های زیاد و موثر وجود دارد که در تمامی جوامع بشری به‌مثابه‌ی تهداب بنای جامعه‌ی بشری نقش ایفا می‌کند. به‌عنوان نمونه، بنیادها و اصول اخلاقی چون، عدالت، تعاون و هم‌کاری، صداقت، وفا به‌عهد، احترام به ارزش‌های اجتماعی، عفاف و پاک‌دامنی و خیلی از مهمات و اصول اخلاقی دیگر می‌تواند در اکثر جوامع بشری نقش هم‌گون‌کننده‌ی پیوندهای اجتماعی را به‌عهده گیرد که از این لحاظ، اشتراکات مهم جامعه دینی با سایر جوامع بشری وجود نخواهد داشت.

ولی در امور و جزئیات ارزش‌های اجتماعی دیگر جوامع، تفاوت‌ها و تمایزات وجود دارد که براساس آن ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی شکل می‌گیرد که جوامع را از هم جدا و متمایز می‌نماید. به‌همین دلیل مبارزه با انحرافات و کج‌روی اجتماعی با مدل‌ها و روش‌های متفاوتی آرایه می‌شود. اما در خصوص نظریه‌ی پیوند اجتماعی

هیرشی و هم‌گونی دینی می‌توان به این نکته اشاره کرد که ارایه‌ی تئوری هیرشی هرچند نه مانند خیلی از نظریه‌های فارغ از باورمندی‌های دینی در غرب، ولی تا حدودی سیر عرفی‌گروی را پیموده‌است و پیوند اجتماعی‌شان را بر بنیاد مولفه‌های صرفاً بشری استوار و ارایه کرده‌است به‌خصوص سه مولفه‌ی اولی نظریه‌ی او که عبارت از وابستگی، تعهد و درگیری باشد تنها مبتنی بر ضمانت اجرای انسان بنیادی است و تنها مولفه چهارم هیرشی؛ یعنی اعتقاد می‌تواند ضمانت اجرای فراتر از حوزه‌ی انسان بنیادی برای خودش تعریف نماید.

به‌همین دلیل در نظریه‌های جرم‌شناسی، دین باوری را یکی از مولفه‌های پیش‌گیری وضعی از جرم دانسته و دین‌زدایی، به‌خصوص مسیحیت‌زدایی و فقدان تربیت مذهبی که از آن ناشی می‌شود، عامل اساسی تبه‌کاری غربی اعلام می‌کند و بدین ترتیب توسعه تبه‌کاری در میان طبقات پائین اجتماعی در سده نوزدهم را مربوط به جنبش قطع علاقه به مذهب اعم از کاتولیک و پروتستان در میان طبقات کارگر و کشیش بخشی از طبقات روستای دانسته‌اند. (گسن، ۱۹۳۸: ۱۲۲ - ۱۲۳)

ولی هم‌گونی دینی هرچند می‌تواند بر بنیاد ره‌آوردهای بشری به سمت پیش‌گیری از انحراف و کجروی‌های اجتماعی و کاهش جرم و بزه‌کاری حرکت نماید ولی ضمانت اجرای آن نه تنها بر بنیاد عرفی‌گرایی‌های بشری نیست که اصولاً بر محور اصول و معیارهای الهی و ماورایی طراحی و تاسیس شده‌است، که با این فرض زمینه‌های پیش‌گیری از ارتکاب جرم در یک جامعه همگون دینی هم در عرصه اجتماعی و هم درحوزه حریم خصوصی نیز صورت می‌پذیرد و این، مهم‌ترین تفاوت هم‌گونی دینی و پیوند اجتماعی هیرشی است که مورد توجه قرار می‌گیرد.

به هرصورت نظریه پیوند اجتماعی هیرشی توانایی و ظرفیت آن را می‌تواند داشته باشد که هم‌گونی‌های دینی را نیز مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده و به کمک مولفه‌ها و ویژگی‌های ساختاری و محتوایی جامعه دینی نقش برجسته‌تری در زمینه پیش‌گیری از ارتکاب جرایم و انحرافات اجتماعی گام بردارد و در این زمینه با روحیه فردگرایی که امروزه به‌عنوان مسیر حرکت جامعه غربی صورت بندی شده‌است مبارزه نماید.

## ۵. خاستگاه هم‌گونی اجتماعی

اصولاً هم‌گونی اجتماعی در پی حاکمیت فکری و فرهنگی فردگرایی که از آثار و نتایج مکتب لیبرالیستی غرب است، برجسته شد. به این معنی که به‌هرمیزان، قلمرو اصالت فرد در جوامع غربی گسترش و توسعه پیدا کرد، اشتباهی انسان برای ارتکاب هرچه بیشتر انحرافات اجتماعی در حوزه عمومی و خصوصی بیشتر شد به این گزارش دقت کنید، تا دهه‌ی ۱۹۵۰م، به‌طور عموم، پذیرفتنی بود که دولت حق دارد هم‌جنس‌گرایی، روسپی‌گری، نمایش تصاویر مستهجن، سقط جنین و بسیاری از اعمال مربوط به این رفتارها را جرم بداند. تغییرات اجتماعی سریع در دهه‌های پسین باعث بازنگری‌ها گسترده‌ی در قوانین این حوزه شد. اما این امر تنها راه فرایند آزاد سازی نبود بلکه مهم‌ترین عامل تعارض پیوسته میان حقوق فرد و جامعه بود و کشمکش هنگامی آغاز شد که کمیته ویلفندن در سال ۱۹۵۷م، دوپیشنهاد عرضه کرد که روسپی‌گری خصوصی و اعمال هم‌جنسی گرایانه‌ی خصوصی باید مجاز شمرده شده و از سیطره‌ی قانون مجازات خارج و به‌گفته‌ی آنان باید قلمروی از اخلاق خصوصی را حفظ و از حیطه وظیفه‌ی قانون خارج شود. (تیت، ۱۳۸۶: ۱۷۸ - ۱۷۷)

قلمرو اصالت فرد تا آن‌جا پیش‌رفت که وظیفه قانون جزا را حفظ نظم و آداب عمومی برای حفظ شهروندان از آسیب و تجاوز به آنان و فراهم کردن زمینه‌ی مطمئن در برابر بهره‌کشی از دیگران و به فساد کشیدن آنان دانسته شد و به‌باور آنان وظیفه‌ی قانون دخالت در زندگی خصوصی شهروندان و تحمیل الگوی رفتاری ویژه‌ی آن نخواهد بود. (همان: ۱۷۸)

براساس چنین تحلیل از روند رو به‌رشد جرم‌زدایی و تحدید حوزه‌ی عمومی و گسترش حوزه‌ی خصوصی در نهادهای مدنی و حقوقی غرب و ارتکاب جرایم مهم و بنیان برانداز اخلاقی، نظریه‌ی پیوند اجتماعی هیرشی، قابل فهم و درک بیشتری خواهد بود، ولی راه‌گشایی و حل این معضل تنها در حوزه‌ی عرفی‌گرایی غرب هرچند با تاکید بر پیوند اجتماعی به‌آسانی میسر نخواهد بود. آنچه که می‌توان اعتماد بیشتری به راه‌گشایی و پیش‌گیری از کجروی‌های اجتماعی پیدا کرد، هم‌گونی دینی است که نقش

برجسته در کاهش بزه‌کاری ایفا خواهد کرد، ولی آنچه که مهم است کیفیت ایجاد و تاسیس هم‌گونی دینی و پیوند اجتماعی است که ظرفیت و توانمندی کاهش بزه‌کاری را داشته باشد. به این مفهوم که هر بنیاد اجتماعی به نام دین نمی‌تواند نقش پیش‌گیرانه و یا کاهش دهنده‌ی جرم را ایفا نماید، بلکه هم‌گونی اجتماعی در اسلام با شاخص‌ها و ویژگی‌های طراحی و ایجاد شده‌است که ظرفیت و پتانسیل پیش‌گیرانه از جرم را دارا بوده و نقش موثر در این زمینه ایفا خواهد کرد.

## ۶. ویژگی‌های همبستگی اجتماعی در اسلام

اسلام تاکید جدی بر تاسیس یک جامعه‌ی صالح با ظرفیت و توانمندی بالا و دارای قابلیت پیش‌گیری و تقلیل دهنده‌ی جرم را دارد. اسلام با صراحت، تاکید می‌کند: باید شما جامعه‌ای را تاسیس کنید، که دارای شاخص‌ها و ویژگی‌های دینی با پتانسیل بالا و تناوری باشد. در قرآن کریم دستور می‌دهد: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران/ ۱۰۴) باید امتی بسازید که دعوت به خیر کرده و امر به معروف و نهی از منکر نماید و همان‌ها رستگاران خواهد بود.

در این آیه شریفه، تاسیس یک جامعه‌ی دینی را به صورت بسیار روشن و مستدل به تصویر می‌کشد که با فهم و درک آن با تطبیق به آیات دیگر هم‌گونی اجتماعی در اسلام و فرایند شاکله بندی آن، قابلیت فهم و درک را با پشتوانه‌ی عقلانی پیدا می‌کند. آیه ابتدا به خیر دعوت می‌کند و بعد از آن به امر به معروف و نهی از منکر را بیان می‌دارد که به دلیل عطف امر به معروف و نهی از منکر بر خیر باید تغایر در مفهوم هر یک وجود داشته باشد (فخر رازی، ۱۹۹۰: ۱۸۲) و به همین دلیل دعوت به خیر جامع امر به معروف و نهی از منکر و در مرحله‌ی پیش از آن دو از احکام بین‌المللی اسلام است. (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ج ۱۵، ۲۵۳) بنابراین، دعوت به خیر به این معنا است که جامعه دینی می‌تواند تمام جوامع بشری را بر بنیاد خیر دعوت به هم‌گرایی و تاسیس جامعه واحد و یک‌پارچه نماید. به گونه‌ی که پذیرش ارزش‌های مبتنی بر خیر چنین جامعه‌ی می‌تواند، تمامی بشریت را احتوا کرده و اعتماد و پذیرش آنان را جلب کند.

## ۱.۶. همبستگی مبتنی بر خیر

گستره‌ی معنایی خیر، قلمرو وسیعی از مفاهیم را در بر دارد که بر بنیاد آن می‌توان هم‌گونی اجتماعی را در سطوح از جوامع متفاوت فرهنگی ایجاد و تاسیس کرد و به همین معنا از خیر این‌گونه تعریف شده‌است: «فالخیر بالحقیقه هوالمطلوب لنفسه یسمی خیراً لکونه هوالمطلوب اذا قیس الی غیره وهوالمنتخب من بین الاشیاءالخیر الذی یوتیه تعالی اعم من الملک والعزة»؛ حقیقت خیر آن است، که در مقام مقایسه با چیزهای دیگر، مطلوبیت ذاتی داشته و مورد انتخاب واقع شود و خیری که خداوند اعطا می‌کند فراتر از قدرت و عزت خواهد بود. (طباطبایی، ۱۹۹۷: ۱۵۳)

بنابراین، قلمرو مفهومی خیر وسیع و گسترده‌است که اولین مصادیق آن را از منظر اجتماعی اصول و بنیادهای اخلاقی را می‌توان ذکر کرد. هرچند تفاسیر آیه خیر به سمت تفسیر کلامی سوق داده شده و مصداق اکمل آن را خداوند باری تعالی دانسته‌اند: «و یظهر مما تقدم ان الله سبحانه هو الخیر علی الاطلاق لانه الذی ینتهی الیه کل شیء» (همان) هرچند این تفسیر بسیار دقیق و شایسته‌است ولی به نظر ما این آیه در صدد تبیین احکام اجتماعی اسلام است، که دستور می‌دهد: «امتی» را براساس دعوت به خیر بنیان‌گذاری کنید که در چنین امتی امر به معروف و نهی از منکر ظرفیت اجرایی و مهم را پیدا خواهند کرد. به این مفهوم که اصولاً امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان یکی از سیاست‌های مشارکتی در تضمین اجرا و نهادینه شدن هنجارهای مبتنی بر خیر عمل خواهد کرد.

به‌همین دلیل در آیه‌ی بعدی بعد از تبیین ایجاد اجتماع مبتنی بر خیر تصریح می‌کند که شما بهترین امت (امت خیر) هستید، که شایستگی اجرای امر به معروف و نهی از منکر را پیدا کرده‌اید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران/ ۱۱۰) بنابراین، اگر جامعه‌ی دینی بر خیر مبتنا نیافته باشد و هم‌گونی اجتماعی بر آن بنیاد، تاسیس نشده باشد، امر به معروف و نهی از منکر، به‌ویژه در حوزه‌ی پیش‌گیری و کاهش بزه‌کاری موثر نخواهد بود. بنابراین، هم‌گونی اجتماعی در اسلام ضرورت دارد که در ابتدا، جامعه و امت بر بنیاد خیر تحقق و تاسیس شود آنگاه این

هم‌گونی می‌تواند نقش خود را در کاهش بزه‌کاری ایفا نماید و الاً توقع از هم‌گونی در رفع و کاهش بزه‌کاری در یک جامعه‌ی متکی بر شر و تفاوت و ظلم توقع ناشایسته‌ی خواهد بود.

#### ۱.۱.۱.۶. مولفه‌های خیر

چنان‌چه که بیان شد، خیر مطلق ذات باری تعالی است، ولی از منظر اجتماعی خیر به‌مثابه‌ی تهداب یک جامعه و امت سالم است، که شاکله و ساختار چنین اجتماعی را مولفه‌ها و عناصر برجسته و مهمی تشکیل می‌دهد و از آن‌جای‌که این مولفه مورد توجه نصوص دینی واقع شده‌است، می‌تواند، از عناصر و پایه‌های اساسی امت مبتنی بر خیر واقع شود.

#### ۱.۱.۱.۶. عدالت

عدالت یکی از رساترین خواسته‌های بشری و مورد تاکید ذات باری تعالی است که می‌تواند، فرایند تاسیس و ایجاد جامعه مبتنی بر خیر را سامان جدی ببخشد: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل / ۹۰) که در این آیه شریفه امر به عدل و احسان مورد تاکید جدی قرار گرفته است.

#### ۲.۱.۱.۶. احسان

احسان نیز یکی از بنیادی‌ترین استوانه‌های امت خیر است که ظرفیت ایجاد روابط اجتماعی و تعامل جمعی را در یک جامعه به‌وجود می‌آورد و بر بنیاد احسان و نیکو کرداری، جامعه‌ی خیر، قوام و دوام یافته و ره‌آوردهای هنجاری آن را در خود نهادینه خواهد کرد.

#### ۳.۱.۱.۶. کرامت انسان

کرامت انسان، یکی دیگر از مولفه‌های محوری در جامعه خیر است که انسان‌ها، در چنین جوامعی به‌رشد و بالندگی و شکوفایی می‌رسد. در این زمینه آیات وحیانی فراوانی وجود دارد که تاکیدات جدی بر کرامت انسان دارد. ولی به فرموده‌ی مفسر بزرگ قرآن استاد جوادی آملی، رساترین تاکید و جامع‌ترین تعبیر وحیانی که در حوزه‌ی کرامت انسان فرود آمده‌است این آیه است: «وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ»؛ به‌هیچ چیز انسان غیر مکرمانه برخورد نکنید. (اعراف / ۸۵)

#### ۴.۱.۱.۶. تعاون بر بر

یکی از مولفه‌های اساسی دیگر، جامعه مبتنی بر خیر، تعاون و هم‌کاری بر بر و نیکویی است. اصولاً تعاون به مفهوم هم‌کاری بر بر و نیکوی است که از جنس هم‌گونی اجتماعی در عمل است. نصیحت و ارشاد نیست، بلکه دستور به معاضدت و عمل بر بر و نیکویی امت اسلامی است. به همین دلیل آیه‌ی شریفه تصریح می‌کند: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (بقره/ ۲) و به همین دلیل بر به معنای توسع در کار دیگران معنا شده است: «البر هوالتوسع فی فعل الغیر» (طباطبایی، پیشین: ج ۴، ۳۹۴)

این موارد که شمرده شد مهم‌ترین مولفه‌های بود که هم‌گونی اجتماعی در اسلام را تبیین و تشریح می‌کند. هرچند مولفه‌ها و عناصر ریز و درشت دیگر نیز، قابل استخراج است که جامعه‌ی دینی را می‌تواند، سامان دهد و قوام ببخشد. در نتیجه هم‌گونی دینی که ضامن سلامت اجتماعی و پیش‌گیری کننده از انحرافات و کجروی‌های اخلاقی است، هم‌گونی مبتنی بر خیر با مولفه‌های چون عدالت، احسان، کرامت انسان و هم‌کاری بر بر و نیکویی است که نقش موثر در پیش‌گیری از جرم و کاهش بزه‌کاری خواهد داشت. در این صورت اگر ناهنجاری به وجود آمد، نهاد دینی امر به معروف و نهی از منکر به مثابه‌ی یکی از سیاست‌های مشارکتی جنایی وارد عرصه خواهد شد که خود معیارها و شرایطی خواهد داشت.

#### ۲.۶. مشارکت مهربانانه و حفظ هنجارها

علاوه بر کارکرد اصلی همبستگی اجتماعی مبتنی بر خیر در کاهش بزه‌کاری، مشارکت مهربانانه‌ی امت اسلامی در حفظ و حراست از ارزش‌ها و هنجارهای امت دینی در قالب نهاد اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر است که کارکردهای اصلی جامعه مبتنی بر خیر اسلامی را به صورت همیشه فعال و زنده نگه می‌دارد. در همین راستا، قرآن کریم ابتدا به تاسیس جامعه‌ی مبتنی بر خیر دعوت می‌کند: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران/ ۱۰۴) و بعد در آیه‌ی بعدی تاکید می‌کند که شما بهترین امت خیری هستید که امر به معروف و نهی از منکر یا حفظ ارزش‌های جامعه‌ی خیر و رفتن به سمت آرمان‌های

برتر آن را در اولویت اجتماعی خود قرار داده‌اید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» که به صورت بسیار ظریفی بستر شکل‌گیری و ایجاد نهاد اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر را فقط در جامعه مبتنی بر خیر متصور و ممکن می‌شمارد.

به عبارت دیگر سوال که از چینش آیات امر به معروف و نهی از منکر آل عمران به دست می‌آید این است که اگر امتی مبتنی بر خیر ایجاد نشود آیا نهاد اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند، نقش شان را به صورت جدی و شایسته ایفا کند؟ با توجه به ظرافت چینش آیات قرآن و نبود مولفه‌های جامعه دینی چون عدالت، احسان، کرامت انسان، تعاون بر بر و مشارکت مهربانانه در امر به معروف و نهی از منکر نقش آن نیز غیر موثر و کم‌رنگ خواهد بود.

اما این مشارکت باید به صورت مهربانانه صورت گیرد که به همین دلیل شرایط چنین مشارکت اجتماعی در آیه ۱۷۰ سوره‌ی توبه تبیین شده است: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» که از این آیه شریفه مشارکت اجتماعی امت اسلامی در حفظ آرمان‌های اجتماعی امت به صورت مهربانانه و ولایت متعادل و متماثل (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۶۸۰) فهم و درک گردیده و سبقت رحمت الهی بر غضب او در سیاست جنایی اسلام کاملاً مشهود است. چنانچه همین معنا را استاد جوادی آملی این گونه تبیین می‌کند: «تقدم امر به معروف و نهی از منکر و هم‌چنین ذکر دعوت بر خیر پیش از هردو عنوان مزبور نشان می‌دهد که رحمت و جاذبه الهی بر غضب و دافعه‌ی حضرت حق سبحانه و تعالی پیشی دارد یعنی غضب پروردگار به امامت و رهبری رحمت او تنظیم می‌شود و مفاد آن این است که دستور غضب در مورد خاص برابر هندسه‌ی عمومی رحمت است.» (همان: ۲۵۹)

نکته‌ی که می‌تواند، در مشارکت مهربانانه امر به معروف و نهی از منکر قابل توجه قرار گیرد این است که آیا امت اسلامی خود رأساً به چنین اقدام مشارکتی دست خواهد زد یا این که نمایندگان آنان در حاکمیت دینی چنین مشارکتی را سامان‌دهی خواهد کرد؟ از دقت در مجموع این آیات چنین فهمیده می‌شود که امر به معروف و نهی از منکر دو



مرحله دارد یکی مرحله‌ی فردی که هرکس موظف است به‌تنهایی ناظر اعمال دیگران باشد و دیگری مرحله‌ی دسته‌جمعی که امتی موظفند برای پایان دادن به‌نابسامانی‌های اجتماع دست به‌دست هم دهند و با یک دیگر، تشریک مساعی کنند که تنها، جنبه‌ی دسته‌جمعی دارند و شعاع قدرت آن وسیع و طبعاً از شئون حکومت اسلامی محسوب می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۳۶)

بنابراین، مشارکت مهربانانه اجتماعی امت اسلامی حفاظت از آرمان‌ها و هنجارهای ارزشی اسلام به‌گونه‌ی سنجیده و دقیق در هیات حاکمیت اسلامی قابلیت تحقق را دارد که به‌گونه‌ی طراحی، نظارت و عملیاتی شود که مولفه‌های امت مبتنی بر خیر چون: عدالت، احسان، معاونت بر برّ و کرامت انسان، کوچک‌ترین خدشه‌ای نبیند و به‌همین دلیل در حدیث از امام باقر<sup>(ع)</sup> پیوند امر به‌معروف و نهی از منکر با مصادیق خیر به‌صورت ظریفی تبیین شده‌است.

### ۳.۶. پیوند امر به‌معروف و نهی از منکر با مصادیق خیر

امام باقر<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «ان الامر بالمعروف والنهی عن المنکر فریضة عظیمة بها تقام الفرائض و تأمن المذاهب، وتحل المكاسب و ترد المظالم و تعمر الارض و یتنصف من الاعداء و یتستقیم الامر...»؛ امر به‌معروف و نهی از منکر دو فریضه‌ی بزرگ الهی است که بقیه فرایض با آن‌ها بر پا می‌شود و به‌وسیله‌ی این دو، راه‌ها امن می‌گردد و کسب و کار مردم حلال می‌شود، حقوق افراد تامین می‌گردد و در سایه‌ی آن، زمین‌ها آباد و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و در پرتو آن همه‌ی کارها روبه‌راه می‌شود. (حرعاملی، ۱۴۱۴: ج ۶، ۱۱۹)

با دقت در این حدیث می‌فهمیم که پیوند محکم و ناگسستنی میان امر به‌معروف و مصادیق خیر وجود دارد. به این مفهوم که اصولاً امر به‌معروف و نهی از منکر یک مشارکت همدلانه به سمت و سوی ریشه‌کنی ریشه‌های انحراف و کجروی اجتماعی در یک جامعه هم‌گون دینی است، که با رفتن به آن سمت، پایه‌های همدلی اجتماعی استحکام یافته و با ایجاد زمینه‌های عینی کاهش جرم و بزه‌کاری، نقش این همدلی در موضوع یاد شده برجسته و هویدا می‌شود. به‌همین دلیل در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام پیوند امر به‌معروف و نهی از منکر به‌خوبی تبیین شده‌است: «لا یزال الناس بخیر ما

امروا بالمعروف ونهوا عن المنکر»؛ همواره مردم در خیر و نیکی‌اند، تا زمانی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند. (نجفی، ۱۳۶۲: ۲۱، ۳۵۳) بدیهی است، اگر چنانچه فرایند امر به معروف و نهی از منکر با اقامه‌ی فرایض و هنجارهای دینی، امنیت راه‌ها، اقتصاد حلال، تامین حقوق مردم و درستی امورات اجتماعی که از مصادیق خیر است گره بخورد، نقش چنین هم‌گونی اجتماعی در کاهش کجروی‌های اجتماعی و بزه‌کاری برجسته و جدی خواهد بود.

## ۷. نتایج و آثار همبستگی اسلامی

همبستگی اجتماعی در اسلام، وقتی ایجاد شد نتایج و آثار وضعی را در پی دارد که براساس آن می‌توان به‌نحوی بر اعمال و رویه‌های کرداری افراد کنترل و نظارت داشت. بدیهی است که همبستگی اجتماعی و هم‌گونی دینی گونه‌ی خاص و ویژه‌ی از نظارت و کنترل اجتماعی است که با هنجارهای خاص جامعه‌ی اسلامی گره خورده و با تهمید سازوکارهای تعامل اجتماعی که در اسلام وجود دارد، نظارت‌ها هم به‌صورت عرفی و هم به‌صورت خود کنترلی ایمان‌مدارانه تحقق پیدا می‌کند که به‌طور خلاصه می‌توان به چنین سازوکارها اشاره کرد.

### ۱.۷. نظارت مستمر اجتماعی

هم‌گونی اجتماعی در جامعه‌ی اسلامی در یک سازوکار ویژه دینی مفهوم خود را باز می‌یابد که به‌نحوی نظارت مستمر اجتماعی را در پی دارد. رواج دین‌داری باعث می‌شود افراد با یکدیگر تعامل و صمیمیت داشته و در اجتماعات دینی شرکت کنند. این شناسایی، وضعیتی را به‌وجود می‌آورد که نظارت و کنترل عمومی تشدید و موقعیت را برای ارتکاب جرم دشوار و سخت می‌کند. (میرخلیلی، پیشین: ۳۳ - ۲۹) افرادی که برخلاف هنجارهای پذیرفته شده و معیارهای خانوادگی و اجتماعی رفتار کنند، از سوی دیگران برای هم‌نوای با هنجارهای اجتماعی تحت فشار قرار می‌گیرند. افزون بر این، ترس از بی‌آبروی یا بی‌احترامی و بی‌اعتباری بسیاری از افراد جامعه را وا می‌دارد، تا از انجام کارهای ضد اجتماعی سرباز زنند و هم‌چنین پیش‌بینی از این که عملی ممکن است مورد قبول خانواده، دوستان، معلمان و دیگر اعضای جامعه قرار نگیرد از بسیاری کجروی‌های اجتماعی جلوگیری می‌کند. (ستوده، پیشین: ۱۳۵)

## ۲.۷. رعایت حقوق اجتماعی

همبستگی دینی نوعی حقوق و تکالیفی را برای شهروندان جامعه اسلامی به وجود می‌آورد که انسان مسلمان موظف به رعایت و اجرای دقیق دستورات، هنجارها حقوق و تکالیف خود است. در آموزه‌های اسلامی شمار بزرگی از آموزش‌ها و مقررات وجود دارد که تحت عناوین مختلف، مردم را در مقابل یکدیگر، مکلف و مسؤول می‌داند، تا اولاً از حال یکدیگر آگاهی یافته و ثانیاً در رفع حوائج یکدیگر بکوشند. به این ترتیب تعالیمی مانند ترغیب به انفاق، صله‌ی ارحام، عیادت مریض، رفع حوائج مومنان عدم اضرار به غیر، حفظ حیثیت و آبروی انسان‌ها احترام گذاشتن به مالکیت و اموال شخصی مسلمانان، عدم تخریب دارایی‌های عمومی، پرداخت عوارض و مالیات‌های مختلف (خمس و زکات) و... می‌توانند، آثار غیرقابل انکاری را در رفع و از بین بردن زمینه‌های اقتصادی و حقوقی و فرهنگی جرم برجا بگذارند.

## ۳.۷. خود کنترلی و نظارت ایمان دینی

مهم‌ترین اثر و نتیجه‌ی همبستگی اجتماعی در اسلام، ایجاد ایمان دینی برای حفظ و نگهداری ارزش‌ها و هنجارهای جامعه دینی است. ایمان که فراتر از دایره‌ی حقوقی برای انسان مومن تکالیفی را تاسیس می‌کند به گونه‌ای که عمق این ایمان در قلمرو حریم خصوصی انسان‌ها نیز ظهور و تجلی تکلیف مدارانه داشته و انسان مومن را از ارتکاب کجروی‌های اجتماعی و اخلاقی باز می‌دارد.

## نتیجه‌گیری

با این تحلیل نتیجه‌ای که به دست می‌آید این است، که اگر جامعه مبتنی بر خیر ایجاد و تاسیس نشود، هم‌گونی اجتماعی پدید نیامده و در پی آن فرایند مشارکت مهربانانه برای اعمال مصادیق خیر در درون امت اسلامی شکل نگرفته و آنگاه امر به معروف و نهی از منکر در تفسیر مشهور آن کارآمدی خود را از دست خواهد داد. بنابراین، هم‌گونی اجتماعی در اسلام وقتی نقش موثر در کاهش بزه‌کاری ایفا خواهد کرد که امت اسلامی جامعه‌ی مبتنی بر مولفه‌های خیر عام را تاسیس و در آن صورت اگر انحراف و کجروی مشاهده شد با فعال‌سازی مشارکت همدلانه در میان اعضا امت اسلامی از رخنه کردن انحرافات جلوگیری می‌کند که بدون چنین پیش‌زمینه‌ی از مولفه‌های هم‌گونی اجتماعی همبستگی ایجاد نشده و در نتیجه نقش آن در مورد کاهش بزه‌کاری دچار نقص جدی خواهد شد. بدیهی است، که با ایجاد جامعه‌ی مبتنی بر خیر، نظارت مستمر اجتماعی، رعایت حقوق جامعه، خود‌کنترلی و نظارت دینی درونی به وجود آمده و همبستگی اجتماعی از منظر اسلام تحقق یافته و در نتیجه به کاهش بزه‌کاری می‌انجامد.

## فهرست منابع

قرآن کریم

۱. تبیت، مارک، فلسفه حقوق، ترجمه حسن رضایی خاوری، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۶.
۲. جرج ولد، توماس برنارد، جفری اسنپس، جرم‌شناسی نظری، ترجمه علی شجاعی، تهران، سمت، ۱۳۸۰.
۳. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم، مرکز نشر اسرا، ۱۳۸۵.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، قم، آل‌البیت(ع)، چاپ دوم، ۱۴۱۴.
۵. ریموند، گسن، جرم‌شناسی نظری، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۹۸۸.
۶. ستوده، هدایت‌الله، آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران، انتشارات آوای نور، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳.
۷. فخر رازی، محمد بن عمر، تفسیر الکبیر، بیروت، دارالفکر، ۱۹۹۰/۱۴۴۰.
۸. فریده ممتاز، انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم، ۱۳۸۷.
۹. فرانک پی ویلیانر، ماری بین دی و...، نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران، نشر بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ هفتم، ۱۳۸۶.
۱۱. میرخلیلی، سید محمود، پیش‌گیری وضعی از جرم، قم، پژوهش‌گاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸.
۱۲. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.